



## گفت‌وگوی صبا با لیلیا جلینی نویسنده رمان تن‌ها رمانی که در سکوت شب نوشته شد

که همدیگر را تنها می‌گذارند بنویسم. با توجه به این که سعدی نیز زیاد می‌خوانم از مصرع «خوش می‌روی به تن‌ها تنها فدای جانت» ایده گرفتم، که در انتهای رمان هم همین را آوردم.

### برای باور پذیر شدن شخصیت‌های داستان چه روشی دارید؟

وقتی که رمان یا نمایشنامه را ورق می‌زنید احساس می‌کنید که شخصیت زنده است و نفس می‌کشد. شناسنامه باید برایش نوشت و شناسنامه هم فقط این نیست که یک اسم و فامیل انتخاب کنی و ویژگی ظاهری و رفتاری را عنوان کنی. قضیه واقعا جدی تر از این حرف هاست باید مثل خداوندگاری که مخلوق خودش را کامل می‌شناسد از صفر تا صد شخصیت را خلق کنی. تمام درونیات، گذشته و آینده، راز ترس، احساساتش در موقعیت‌های مختلف، واکنش و عکس‌العمل‌هایش در شرایط مختلف تمام ویژگی‌های شخصیتی‌اش را باید بلد باشی.

البته این یک بعد است. بعد دوم هم بحث موقعیت‌های داستانی است که شما خلق می‌کنید. شخصیت‌ها که از کره مریخ نمی‌آیند. در کنار ما نفس می‌کشند و زندگی می‌کنند. من به عنوان نویسنده موظف هستم موقعیت را به بهترین شکل ممکن بنویسم جوری ببینم که دیگری ندیده و جوری بنویسم که دیگری ننوشته است.

### آیا از کتابی تاثیر گرفته‌اید و اصولا خودتان فرد کتابخوانی هستید؟

حقیقتاً در طول مدتی که مشغول نوشتن «تن‌ها» بودم هیچ رمان ایرانی نخواندم تا نگویند از کتاب نویسنده‌ای الگو برداری شده است. بیشتر سراغ مطالب روان‌شناختی رفتم چون برای تحقیقاتم نیاز داشتم. اما درباره کتاب خواندن قطعاً هر نویسنده‌ای تا نخواند نمی‌تواند بنویسد و اگر بنویسد هم در بهترین شکل خواندن کتاب او را به منتقد تبدیل می‌کند نه نویسنده.

برای نوشتن این رمان تحت تاثیر هیچ نویسنده یا کتاب خاصی نبودم من سال ۹۱ تا ۹۵ پروژه سریال سعدی را به صورت گروهی زیر نظر استاد منصور براهیمی می‌نوشتیم و آن پروژه برای من شبیه یک دانشگاه دیگر بود در نوشتن این رمان خیلی به من کمک کرد.

### شکل کامل طرح ریزی شده بود؟

نه اصلاً، ابتدا به صورت یک ایده کاملاً تک خطی به ذهنم رسید و چون کلا دغدغه نوشتن درباره زنان را دارم روی شخصیت لیلیا متمرکز شدم که باید چه کار کنم، تصمیم گرفتم که در واقع یک شخصیتی باشد که پرستار یک خانمی است که مادری داغ‌دیده از جنگ است. به نظر من ناگفته‌های دفاع مقدس زیاد داریم و من هر کتابی که بخوام بنویسم حتماً نگاهی به این قسمت دارم. نوشتن این کتاب از مرحله ایده تا پایان رمان با توجه وقفه‌هایی که بینش ایجاد شد سه سال طول کشید.

### سه سال، زمان طولانی‌ای برای نوشتن این کتاب نیست؟

ویرجینیا وولف در کتاب «اتاقی از آن خود» می‌گوید «زنی که بخواهد بنویسد باید پول داشته باشد و یک اتاق متعلق به خودش، اتاق متعلق به خودش یعنی در را ببندد به دور از آشپزی، دغدغه مادر بودن و خواهر بودن و همسر بودن به دور از تمام دغدغه‌ها باشد.» واقعیت این است که من اتاقی مستقل ندارم و برای همین بیشتر شب‌ها می‌نوشتم. منتظر می‌ماندم تا در خانه سکوت حاکم شود و تازه از یک نیمه شب شروع می‌کردم به نوشتن و گاهی تا پنج صبح هم ادامه داشت و روزها را بیشتر به باز نویسی اختصاص می‌دادم و شاید طولانی شدن پروژه نوشتن به همین دلیل بود.

### آیا موقعیتی که در داستان ایجاد کردید را تجربه کرده‌اید؟

من خودم پرستار بودن را تجربه نکردم اما با پرستاری که با یک زن الزامی زندگی کرده است رفت و آمد داشته‌ام و فضای یک خانه قدیمی را که قبلاً دیده بودم را ترسیم کردم. درباره شخصیت‌ها و مکان در رمان تحقیق کردم و جزئیات را در نظر گرفتم و البته بخش اعظم نوشته‌هایم تخیل است و یا از تجربیات دیگران استفاده کرده‌ام. تنها چیزی که در این داستان به عینه تجربه کردم تجربه آی سی یو بود. وقتی که مادرم در این بخش بستری بود. مرگی که در داخل آی سی یو در رمان داریم همان مرگی است که من عیناً تجربه کردم.

### اسم رمان را بر چه اساسی انتخاب کردید؟

اولین اسمی که در زمان نوشتن انتخاب کردم «خداحافظی را بلد شدم» بود ولی از آنجایی که دوست داشتم راجع به تنهایی و تن‌هایی

سهیلا انصاری - لیلیا جلینی سال ۱۳۵۷ در تهران متولد شد و دارای مدرک کارشناسی تئاتر (ادبیات نمایشی) / دانشکده سینما - تئاتر، است. جلینی نویسنده و مدرس داستان نویسی است و برگزیده و نامزد جایزه دوسالانه دفاع مقدس در بخش داستان، نمایشنامه و پژوهش هنری شده است. وی صاحب چندین اثر تألیفی (رمان، مجموعه داستان، نمایشنامه) است صفر مرزی، تن‌ها، نیمه نامه‌ها، زنی که اتفاقاً منم، منیرو، نگاهی دیگر، خیال کال، و سرپرست نویسنده‌گان در سه مجموعه داستان گروهی: ما از ویرجینیا وولف نمی‌ترسیم، هشت نویسنده در جستجوی شخصیت، هزار توهای بن‌بست از جمله آثار او هستند. کتاب «تن‌ها» در ۳۶۶ صفحه نوشته لیلیا جلینی به تازگی توسط نشر مهر اندیش منتشر و روانه بازار نشر شده است. به همین بهانه خبرنگار صبا در عین نگاهی اجمالی به اثر جدیدش با وی نیز به گفت‌وگو نشست.

در کتاب تن‌ها مانند دیگر آثار جلینی شخصیت محوری داستان زن است، اما این بار با زنی آشفته ذهن مواجهیم و روایت‌هایی گاه گنگ و پیچیده که کم‌کم - نه فقط به مرور زمان - بلکه با رشد شخصیت‌ها در بستر داستان، شفاف و واضح می‌شوند.

زبان «تن‌ها» به تبعیت از روایت، ابزاری است برای انتقال همین آشفتنگی‌های برآمده از تنهایی؛ به ویژه وقتی سکان داستان در دست لیلیا به عنوان راوی اول شخص، است.

دیگر راوی این داستان، دانای کل، بارها جا عوض می‌کند و با هر بار جا عوض کردن، زبان تازه‌ای می‌پذیرد و حرف‌هایی می‌زند که از دهان دیگری بیرون نمی‌آید؛ زبانی که از رهی می‌گوید (که تازه از آمریکا برگشته تا شاید بتواند ارث خانوادگی‌اش را از جنگ مادر بزرگ یک دنده‌اش بیرون بیاورد) با زبانی که از لیلیا می‌گوید (که پرستار جوانی است که از آشفتنگی ذهن و نبوغی به هدر رفته رنج می‌کشد؛ رنجی ظاهراً لذت‌بخش) متفاوت است؛ البته خود راوی برای خودش هم زبانی جداگانه و مستقل دارد.

### آیا این رمان قبل از اینکه فرآیند نوشتنش آغاز شود به

کارگردان مسعود اطیابی | تهیه‌کننده سید ابراهیم عامریان  
Director Masoud Atyabi | Producer Ebrahim Amerian

# TEXAS 3

نویسنده حمزه صالحی

# تگزاس ۳

پژمان جمشیدی | سام درخشانی | گابریلا پتری  
با هنرمندی مهدی هاشمی و ژاله صامتی

آدریانو تولوزا، سیدجواد هاشمی، محمدجواد جعفرپور، نعیمه نظام‌دوست، سام نوری، سیاوش چراغی‌پور، ساعد هدایتی، داوود شیرعلی، لادن زافه وند

